



در باره آپارتاید جنسی در ایران

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی

این گفتگو در زمستان سال ۲۰۰۲ با رادیو موج کوتاه انترناسیونال صورت گرفته است

سیاوش دانشور: لفظ آپارتاید جنسی در ادبیات حزب کمونیست کارگری زیاد بکار برده میشود. لطفا کمی در اینمورد توضیح دهید. آپارتاید جنسی به چه معناست؟

آذر ماجدی: خود کلمه آپارتاید بمعنی جدائی است. تا آنجا که به یک نظام سیاسی مربوط میشود، سابقه آن برمیگردد به آفریقای جنوبی که رژیم آن بر مبنای تبعیض نژادی و جدائی نژادها بنا شده بود. این رژیم از اوایل قرن بیستم تا همین چند سال پیش سرکار بود و تمام سیاستهایش مبتنی بر جدائی سفیدپوستان از سیاه پوستان و رنگین پوستان بود.

سفید پوستان قشر ممتاز جامعه بودند بعد از آنها رنگین پوستان بودند که از خیلی از حقوق و مزایا بی بهره بودند و در آخر سیاه پوستان قرار داشتند که تقریباً از تمام مزایا و حقوق اجتماعی محروم بودند. این نظام بعنوان یک نظام فاشیستی در دنیا شناخته شده بود و جریانات مترقی، کمونیستها، آزادیخواهان و طرفداران حقوق بشر چه در خود آفریقای جنوبی چه در دیگر نقاط دنیا، علیه آن به مبارزه و اعتراض برخاستند تا وقتی که این رژیم تسلیم شد و از پا افتاد.

صفحه ۲



"آزادی یواشکی" چرا؟

این روزها در دنیای مجازی موضوعی بر سر زبانها افتاد به نام آزادی یواشکی، و صفحه ای با همین نام در فیس‌بوک وجود دارد که مدیریت آن را روزنامه‌نگار ایرانی خارج از کشور مسیح علی‌نژاد به عهده دارد، این صفحه هم موافقین و هم مخالفین خاص خود را دارد و سر و صدای زیادی در دنیای مجازی به راه انداخته، ایده از روزی شروع شد که خانم علی‌نژاد عکسی از خودش را بدون روسری در حال رانندگی منتشر کردند و از زنان ایرانی درخواست کردند اگر همچین عکسهای دارند را برایشان ارسال کنند و حس و حال خودش را نیز بنویسند.

صفحه ۷

شیوا گنجی

بیانیه سازمان آزادی زن

حجاب سر درد رژیم اسلامی

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



در باره آپارتاید جنسی در ایران

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی ...

دولتهای سرکوبگر و مستبد این کشورها اسلام را بعنوان قوانین کشور در آورده، و سنتها و فرهنگ اسلامی را به مردم تحمیل کرده اند. حتی در این کشورها نیز بیحقوقی با درجات مختلفی وجود دارد. در بعضی از آنها یکسری حقوق مدنی برسمیت شناخته شده که در بعضی دیگر نیست.

وقتی در مورد جمهوری اسلامی و حکومت طالبان در افغانستان و یا دیگر کشورهایی که رسماً خودشان را یک کشور اسلامی معرفی میکنند و مذهب کاملاً در تمام عرصه های حکومت دخیل است، صحبت میکنیم کاملاً معلوم است که وضع زنان در این جوامع بمراتب بدتر از جاهای دیگر است. در این کشورها آپارتاید و جداسازی زن و مرد بطور رسمی وجود دارد. این فقط تبعیض و بیحقوقی زن نیست بلکه جداسازی کامل دو جنس است همانطور که در آفریقا جداسازی نژادها بود.

سیاوش دانشور: تاکید شما در بحث آپارتاید جنسی بیشتر روی جدا سازیها متمرکز است یا قلمرو حقوق نابرابر برای زنان؟

آذر ماجدی: آپارتاید یعنی جداسازی. اما در این جداسازیها همیشه یک نژاد بر نژاد دیگر، یک جنس بر جنس دیگر، یک قوم بر قوم دیگر و یک مذهب بر مذهب دیگر تفوق دارد. آپارتاید به این معنی نیست که این دو گروه با هم حقوق برابر دارند، فقط از هم جدا هستند. این جداسازیها همانطور که ما در آفریقای جنوبی هم شاهد آن بودیم ناشی از تبعیض،

(مخصوصاً ۸۰) مطرح شده، آنچه بر سر زنان در کشورهای اسلام زده میآید در جوامع غربی بعنوان فرهنگ و مذهب خود آنها توجیه میشود و به آن نقدی نمیشود. حزب کمونیست کارگری ایران و کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران سعی کرده اند افکار عمومی دنیا را نسبت به این واقعیت آگاه کرده و آپارتاید جنسی در ایران را به همه بشناسانند و نشان دهند که آپارتاید جنسی به همان زشتی و کراهت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی است. و باید در سطح دنیا با آن مبارزه شود. ما تلاش کرده ایم که به مردم نشان دهیم که نظامی که در ایران حاکم است یک نظام مبتنی بر آپارتاید جنسی، به همان کراهت نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی است و این مساله هیچ ربطی به فرهنگ و مذهب "خود مردم" ندارد.

ما تاکنون پیشرفتهای زیادی کرده ایم. اکنون برای خلیبها این ترم شناخته شده و جمهوری اسلامی در میان بسیاری جریانات آزادیخواه و بشردوست بعنوان نظام آپارتاید جنسی معرفی و محکوم میشود.

سیاوش دانشور: نابرابری بین زن و مرد یک واقعیت است که کم و بیش در همه جای دنیا وجود دارد. ممکن است در مقابل صحبت شما گفته شود که ستم بر زنان مختص حکومتهای دینی و اسلامی نیست. شما چه پاسخی به این استدلال میدهید؟

آذر ماجدی: من این بحث را که در تمام دنیا نابرابری وجود دارد قبول میکنم. اما تفاوت زیادی هست بین آنچه که ما در سوئد و فرانسه و غیره می بینیم با کشورهایی که در آنها اسلام بعنوان مذهب رسمی حاکم است و

ما وقتی از آپارتاید جنسی در ایران صحبت میکنیم. در واقع تشابه آنرا با نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی نشان میدهیم. به این معنی که در ایران زنان و مردان را از هم جدا کرده اند و زنان را از حقوقشان محروم کرده اند. این جداسازی عیناً همان آپارتاید است. ما حدود ۱۵ سال پیش در ادبیات مان نظام جمهوری اسلامی را آپارتاید جنسی خواندیم. و اکنون شاهد آن هستیم که جریانات دیگر هم از این لفظ در توصیف جمهوری اسلامی استفاده میکنند.

سیاوش دانشور: در مورد آفریقای جنوبی بخش وسیعی از مردم دنیا این ترم را بکار میبردند و به آن حکومت آپارتاید گفته میشد. اما ما نمی بینیم که جمهوری اسلامی را با این صفت بشناسند. چرا؟ چه تفاوتی بین ستم بر اساس جنسیت و ستم بر اساس نژاد وجود دارد؟

آذر ماجدی: یک دلیل اصلی آن این است که خود رژیم آفریقای جنوبی خودش را با این لفظ تعریف میکرد. یعنی اعلام کرده بود که سیاستهایش بر "توسعه جداگانه نژادها" مبتنی است. آفریقای جنوبی با این استدلال تبعیض و جدائی نژادی را در آفریقای جنوبی توجیه میکرد. ولی این استدلال تنها توسط جریانات و دولتهای ارتجاعی خریدار پیدا کرد و آنها برای مدتی. جریانات آزادیخواه، بشردوست، و کمونیست ها این نظام را بعنوان نظامی عمیقاً ارتجاعی، عقب مانده، سرکوبگر و فاشیستی شناختند.

ما اکنون داریم همان ترم را با همان بار ارتجاعی در مورد جمهوری اسلامی استفاده میکنیم.

اینکه چرا این ترم در سطح جهانی در مورد جمهوری اسلامی بکار نمیروند بخاطر این است که اولاً هنوز خلیبها از تمام جوانب این نظام مطلع نیستند و دوماً به یمن ثنوری نسبیت فرهنگی که در دهه های ۸۰ و ۹۰

مستقل باشند. اکثر آنها بعد از اتمام دانشگاه با انواع و اقسام موانع برای شغل یابی روبرو میشوند. قوانین مذهبی و سنتی جلو رشد دختران و زنان را در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میگیرد و نمیگذارد حتی زنانی که جزو سیستم دولتی هستند و باصطلاح خودشان خودی هستند، هم پیشرفت کنند.

سیاوش دانشور: همانطور که اشاره کردید، شما برای لغو آپارتاید جنسی مبارزه میکنید. حزب کمونیست کارگری ایران این را در برنامه اش دارد. چه موانع اصلی در برابر این جنبش و هدف قرار دارند؟

آذر ماجدی: مهمترین مانع هر نوع بهبود در وضعیت زنان جمهوری اسلامی است. در تمام عرصه های دیگر هم مانع اصلی جمهوری اسلامی است، در مورد وضع زنان بطریق اولی مانع اصلی جمهوری اسلامی است. باید این رژیم را از پیش پا برداریم، تمام قوانین تبعیض آمیز و مردسالارانه اش را لغو کنیم تا بتوانیم همانطور که در برنامه حزب کمونیست کارگری آمده است برابری کامل و بدون قید و شرط بین زن و مرد را پیاده کنیم. ریز این قوانین در برنامه حزب کمونیست کارگری آمده است.

در صورتی که حزب کمونیست کارگری در ایران بقدرت برسد، در اولین روز بقدرت رسیدنش آزادی و برابری بدون قید و شرط انسانها را اعلام میکند. کلیه قوانین تبعیض آمیز را لغو میکند و برابری زن و مرد را در تمام امور، همانگونه که در برنامه "یک دنیای بهتر" آمده است بعنوان قانون کشور اعلام میکند. بعلاوه باید امکاناتی ایجاد شود که کسانی که میخواهند مبارزه برابری طلبانه را گسترش دهند و علیه فرهنگ و بینش مردسالارانه مبارزه کنند بتوانند در فضائی آزاد و با در اختیار داشتن ابزار رسانه ها اینکار را پیش ببرند. همچنین در مراکز آموزش و پرورش، مدرسه ها، دانشگاهها و شهر و روستا این مبارزه باید عمیقا گسترش پیدا کند. علاوه بر موانع قانونی باید با بقایای سنت و فرهنگ مردسالار و عقب مانده یک مبارزه جدی و

در باره آپارتاید جنسی در ایران

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی ...

فرهنگ مردسالار وجود دارد اما با یک نظام آپارتاید روبرو نیستیم. زن و مرد میتوانند در اتوبوس کنار هم بنشینند. زن مجبور نیست چادر سر کند. زن و مرد با هم در یک اداره کار میکنند و تبعیض علیه زنان هم اعمال میشود اما مجبور نیستند از هم جدا باشند. این اسلام است که آپارتاید جنسی را تجویز و تبلیغ میکند.

سیاوش دانشور: خود زنان در ایران چگونه به این مساله برخورد میکنند؟ چه جبهه های اصلی برای مقابله و مقاومت در برابر این آپارتاید وجود دارند؟ این مبارزه چه ابعادی دارد؟

آذر ماجدی: زنان و جامعه ایران اصلا آپارتاید را پذیرا نشده اند. از همان اولی که حجاب اجباری توسط جمهوری اسلامی مطرح شد و شروع کردند به اخراج زنان از سر کار و برگرداندن آنها به خانه هایشان (مدت خیلی کوتاهی بعد از سرکار آمدن جمهوری اسلامی در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷) از همان اول جمهوری اسلامی خودش را با زنان روبرو دید. ما شاهد یک مبارزه عظیم علیه جمهوری اسلامی بودیم. در آن زمان هنوز هم توهم زیادی در مورد رژیم وجود داشت و خیلیها آنرا حاصل انقلاب میدانستند نه حاصل سرکوب انقلاب.

از همان روز تاریخ جمهوری اسلامی مملو بوده است از زن ستیزی و مبارزه بیوقفه زنان در مقابله با قوانین ضدزن و عقب مانده. ما در این چند سال شاهد گسترش و تعمیق این مبارزات بوده ایم. بخصوص از طرف نسل جوان که زیر بار این قوانین و سنتها نمیروند. دانشجویان دختر اکنون بیش از ۵۰ درصد کل دانشجویان را تشکیل میدهند. اینان تلاش میکنند در مقابل جمهوری اسلامی مقاومت کنند، یاد بگیرند و

بیحقوقی و نابرابری شدیدی است که بین دو دسته وجود دارد. در ایران هم ما شاهد تبعیض، بیحقوقی و ستمکشی زن هستیم. وقتی ما در مورد آپارتاید حرف میزنیم منظورمان جداسازی در آن کشور است. در یک کشور ممکن است ستم شدیدی بر زنان وارد شود. اما جداسازی بین زن و مرد در قوانین وجود نداشته باشد. به چنین نظامی آپارتاید گفته نمیشود. این یک نظام مردسالار و شوینیست است. در مورد آپارتاید جنسی در ایران منظورم جداسازی بین زن و مرد و تحمیل حجاب اجباری به زنان در سطح قانون است.

سیاوش دانشور: شما اشاره کردید به جامعه ای که جداسازی در آن نیست اما بعنوان یک جامعه مردسالار حقوق زن در آن رعایت نمیشود. سوال من این است که چه درجه فرهنگ مردسالار و ضد زن در ایران در اعمال آپارتاید جنسی موثر است؟

آذر ماجدی: وقتی بحث بر سر آپارتاید جنسی است کاملا در ارتباط تنگاتنگ با اسلام و مذهب صحبت میشود. اسلام جداسازی زن و مرد را تبلیغ میکند. حجاب، بحث اندرونی و درونی، اینکه زن نباید در کنار مرد باشد چونکه زن یک موجود شیطانی است که مرد را تحریک میکند و وی را از زندگی باز میدارد. مرد هم یک آدم کاملا بدون کنترل است که فقط هورمونهایش بر همه چیز حکم میراند و یک نگاه به زن میتواند زندگیش را نابود کند. این نگرش مردسالار و عقب مانده ای است. از زن یک چهره شیطانی ارائه میدهد و مرد را بی اراده و بی کنترل معرفی میکند و هرچند که مرد را بر زن حاکم میکند اما در واقع به هر دو جنس توهین میکند.

اسلام آپارتاید را تجویز میکند. بهمین خاطر است که آپارتاید جنسی فقط در کشورهای اسلام زده وجود دارد. در کشورهای دیگر که مذاهب دیگر حاکم هستند نابرابری و

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

ولی الان این جریانات بعضا موی دماغ غرب شده اند. دولتهای غربی، یا بورژوازی جهانی با یک رژیم مذهبی بخصوص اسلامی، مثل جمهوری اسلامی همخوانی ندارند و تا زمانی که چنین رژیمی سرکار است ما شاهد صدور سرمایه به ایران و متعارف شدن رشد سرمایه در این کشور نخواهیم بود. منتها آنها نمیتوانند براحتهای تصمیم بگیرند که این رژیم بردر نمیخورد پس باید آنرا عوض کرد. با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی به این شکلش مانع رشد سرمایه است، دولتهای غربی همچنان از جمهوری اسلامی در مقابل جنبش مردم برای سرنوشتی میایستند و با آن مقابله میکنند. بشدت عوامفریبی میکنند و در مورد اوضاع ایران دروغ میگویند. اگر رسانه های غربی را مدتی دنبال کنید می بینید که سرتاپا دروغ و عوامفریبی در مورد ایران است. این از آنروست که بورژوازی از انقلاب مردم میترسد. میخواهد که از درون خود رژیم اصلاحاتی را در آن بوجود آورد، هر چند که دیگر الان در تجربه هم ثابت شده است که اینکار در جمهوری اسلامی یک خیال خام است.

یک مساله مهم اینست که اگر یک انقلاب دیگر صورت بگیرد اینبار کمونیسم یک نیروی جدی در صحنه است. کمونیسم کارگری یک نیروی جدی در انقلاب آتی ایران است و در فردای سرنوشتی جمهوری اسلامی شانس پیروزی جدی در مقابلش قرار دارد، به این خاطر نمیتوانند براحتهای حتی با جمهوری اسلامی مخالفت کنند. تلاش میکنند که در درون خود رژیم اصلاحاتی بوجود آورند، و یک جمهوری اسلامی معتدل تر و ملایمتری را سرکار بیاورند. دفاع غلیظ این دولتها از خاتمی در چند سال اخیر بر همین مینا استوار بود. فکر میکردند با اینکار میتوانند اصلاحاتی در جمهوری اسلامی ایجاد کنند و شرایط موجود را به شرایطی متعارفتر تبدیل کنند.

سیاوش دانشور: سلطه و عملکرد آپارتاید در غرب معمولا با بحث فرهنگ مردم و تئوری نسبیت فرهنگی توجیه میشود. با این حساب

در باره آپارتاید جنسی در ایران

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی ...

آگاهگرانه سازمان یابد.

سیاوش دانشور: نظر شما در مورد رابطه نظام سرمایه داری و حکومت دینی چیست؟ آیا آپارتاید جنسی مطلوب سرمایه داری در ایران است؟

آذر ماجدی: بنظر من اگر یک دولت متعارف سرمای داری بخواد در ایران سرمایه گذاری و انباشت کند، آپارتاید جنسی را نه تنها اصلا لازم ندارد بلکه مانع کارش است. ولی چرا آپارتاید جنسی در جامعه حاکم شده است؟ جواب آن برمیگردد به شرایط ایران در ۲۲ سال پیش، زمانی که یک انقلاب توده ای علیه نظام سرکوب و استبداد سلطنتی براه افتاده بود و میرفت که با برکندن حکومت پهلوی ارکان بورژوازی در ایران را هم بلرزاند. در این انقلاب این چشم انداز وجود داشت که چپ بقدرت برسد. پس برای مقابله با نیروهای چپ و برای سرکوب خواسته های انقلابی مردم، بورژوازی با همکاری دول غربی نظام اسلامی را بر مردم و جامعه ایران تحمیل کرد. برای سرکوب آن انقلاب بعد از اینکه جمهوری اسلامی بر سرکار آمد لازم بود جامعه به عقب رانده شود و ارتجاع در تمام ارکان سیاسی و فرهنگی و اجتماعی حاکم شود. و اینجاست که ما شاهد شکل گرفتن نظام آپارتاید جنسی و سرکوب زنان هستیم.

سیاوش دانشور: یعنی منظورتان این است که مجبور شدند جمهوری اسلامی را علیرغم تمایلشان بپذیرند؟

آذر ماجدی: دقیقا. انقلاب ایران یکی از انقلابهای عظیم قرن بیست بود. یک انقلاب عظیم توده ای علیه دیکتاتوری و خفقان. این انقلاب با تمام ابهاماتش توانست سلطنت را سرکوب کند و میرفت که نیروهای چپ را سرکار بیاورد و آزادی را در جامعه پیاده کند. به این خاطر بود که بورژوازی نجاشش را در سرکار آوردن جمهوری اسلامی دید.

از آن پس مساله زن به یک بارومتر سیاسی جامعه ایران تبدیل شده است. یعنی هروقت جمهوری اسلامی میخواهد حمله ای را به کل جامعه شروع کند و مردم را عقب براند و سرکوب کند به زنان حمله میکند. زنان "بدحجاب" و بی حجاب را شلاق میزند، تیغ میکشد و اسید میپاشد. هروقت این رژیم میخواهد ارباب را در جامعه راه بیندازد به زنان حمله میکند.

این شرایط جامعه ایران در ۲۳ سال گذشته بوده است. اگر آپارتاید جنسی در ایران حاکم است در درجه اول بخاطر نیاز بورژوازی ایران و جهان به سرکوب انقلاب مردم ایران است. اما اینروزها دیگر اگر آپارتاید جنسی را حذف کنی از جمهوری اسلامی اثری باقی نخواهد ماند و این در خود یک تناقض عظیم برای بورژوازی ایران شده است.

سیاوش دانشور: امروز و از نظر دولتهای غربی این مساله چگونه است؟ با توجه به اینکه حکومتها مذهبی قوانین دست و پا گیری دارند که مانع فعالیت سرمایه میشوند. آیا این دولتها هم مخالف اسلامیت غلیظ و دخالت مذهب در زندگی مردم هستند؟

آذر ماجدی: ببینید مساله اینجاست که جمهوری اسلامی و تقویت جنبش های اسلامی در منطقه کار خود دولت های غربی است. برای مقابله با چپ و کمونیسم و در طول جنگ سرد برای مقابله با بلوک شرق، غرب و در راس آن دولت آمریکا از این جنبش های از نظر مالی، سیاسی، و نظامی حمایت کرد و این جانوران را به جان مردم منطقه انداخت. نمونه جمهوری اسلامی و افغانستان نمونه های خیلی مهم این سیاست است.

اسلام ضد زن است!

آکادمیستها ندارد، رسانه ها در مورد آن چندان جرف نمیزنند. ما اکنون شاهد روشنگری های زیادی در مورد شرایط زنان در کشورهای اسلام زده هستیم. روزنامه ها شروع به نوشتن و افشاگری در اینمورد کرده اند. از کمپنهائی که ما سازمان داده ایم مثلا کمپین علیه سنگسار استقبال وسیعی شده است.

این ایده ها نه فقط از طرف بخشهای مترقی جامعه که قبلا از طرف بحث نسبیت فرهنگی خلع سلاح شده بودند و اکنون بطور تهاجمی علیه آن حرف میزنند، بلکه از طرف افکار عمومی دارد به یک ایده منزوی تبدیل میشود. ما مثلا در کشورهای اسکانندیناوی شاهد این هستیم که فعالیتهای دوستان ما علیه اسلام و مذهب، علیه قوانین مذهبی و نقشی که آنها در سرکوب زنان دارند بسیار نقش مهمی در آگاهگری افکار عمومی داشته است. اینکه اسلام سیاسی دارد دوران حضيضش را میگذراند هم قطعاً تأثیر داشته است اما بنظر من روشنگریها و مبارزات بیوقفه ای که در اینمورد انجام شده نقش اصلی را بازی کرده است. در چند سال اخیر ما بطور کلی شاهد چرخش جوامع غربی بطرف ایده های رادیکال و مترقی هستیم. به نسبت دهه های ۸۰ و ۹۰ که جامعه بطرف راست چرخیده بود.

سپاوش دانشور: جمهوری اسلامی از یک نوع حقوق بشر اسلامی صحبت میکند و این را دقیقاً بر اساس نسبیت فرهنگی و اسلامی بودن جامعه ایران مطرح میکند. بنظر شما فعالین جنبش برابری طلبانه زنان چگونه باید با این بحث برخورد کنند؟

آذر ماجدی: بنظر من بحث حقوق بشر اسلامی یک جوک بیشتر نیست. جمهوری اسلامی مجبور است در مقابل هجوم عظیمی که چه در خارج کشور و چه در داخل با آن روبرو است دفاعیاتی فراهم کند. این حقوق بشر اسلامی یعنی چه؟ یعنی اینکه زن برده و جنس درجه چندم بحساب بیاید؟ حقوق بشر اسلامی، یعنی سنگسار، اعدام، چشم درآوردن و قصاص و غیره و غیره. حقوق بشر اسلامی یعنی این، در واقع باید به آن بیحقوقی بشر اسلامی گفت. بنظر

صفحه ۶

در باره آپارتاید جنسی در ایران

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی ...

میافتاد نه لزوما باور آکادمیستهای که این تئوری را اشاعه میدادند. این تئوری قرار است به افکار عمومی غرب قبولاند که اگر زن ایرانی مجبور است حجاب سر کند، اگر او را سنگسار میکنند، اگر آپارتاید جنسی را رسماً در جامعه پیاده میکنند اگر زن افغانی نمیتواند پایش را از خانه اش بیرون بگذارد و به بیمارستان برود و میمیرد بخاطر اینکه مردی نیست که او را به بیمارستان ببرد، اینها فرهنگ مردم است. این فرهنگی است که میگویند فرهنگ جوامع اسلامزده است. همانطور که گفتیم این توجیه ایدئولوژیک و تئوریک و فکری بود برای تحمیل کردن افکار ارتجاعی بر مردم. اما اکنون تئوری نسبیت فرهنگی دیگر آن بازار گرم را ندارد و مبارزات پیگیر جریاناتی مثل ما، جریان کمونیسیم کارگری، که بیش از ده سال است علیه این تز ارتجاعی و کهنه پرستانه مبارزه کرده است ضد بشری بودن این تز را افشاء کرده است. مبارزه ای که ما کرده ایم، کمپنهائی که راه انداختیم، سمینارهایی که گرفتیم و همه اینها باعث شد، تز نژادپرستانه و ضد بشری نسبیت فرهنگی از سکه بیافتد.

سپاوش دانشور: این بحث نسبیت فرهنگی همانطور که شما هم اشاره کردید بعد از سقوط شوروی و عروج اسلام سیاسی سر درآورد و عملاً با طرح تعیین حق متفاوت بر اساس فرهنگ متفاوت یک نوع عقب نشینی را به جنبشهای آزادیخواهانه تحمیل کرد. اما امروز که اسلام سیاسی در سرآشویی قرار گرفته است این تز در کجا قرار گرفته است؟ کلا این سیستم فکری در دنیای امروز کجاست و چه نقشی دارد؟

آذر ماجدی: نسبیت فرهنگی اکنون دیگر نقش چندان در دانشگاهها و در میان

مخالفت غرب با اسلامیت جمهوری اسلامی را چگونه میشود توضیح داد؟

آذر ماجدی: بطور قطع دول غربی ترجیح میدهند با جوامعی سر و کار داشته باشند که فرهنگشان به فرهنگ غرب نزدیکتر است. منظورم این است که از نظر اجتماعی و فرهنگی به غرب نزدیکتر باشند. مثلاً زنان حجاب نداشته باشند، خوردن مشروبات الکلی آزاد باشد، مردم با خیال راحت به سینما و دیگر مراکز تفریحی بروند و غیره. تا آنجا که به سیاست برمبگردد در اکثر کشورهای بااصطلاح تحت سلطه دیکتاتورهای خشنی سر کار هستند که مستقیماً از طرف غرب حمایت میشوند.

در مورد نسبیت فرهنگی من فکر میکنم این ایده بدو دلیل توانسته اشاعه و رشد یابد. اول ترس دول غرب از تروریسم جریانات اسلامی و مخصوصاً جمهوری اسلامی است. فتوای قتل سلمان رشدی، ترور و تهدید شهروندان غربی و حتی ترور شهروندان ایرانی در خارج کشور یک نوع ترس را در میان افکار عمومی غرب دامن زد. مردم و دولتهای غربی نگران هستند که تروریستهای اسلامی جامعه شان را در هم بریزند. این ترس یکی از دلایل اصلی پا گرفتن این تئوری در جوامع غربی بود.

شرایط عمومی پایان جنگ سرد و شکست شوروی و بلوک شرق هم به پا گرفتن این تئوری در کشورهای غربی کمک کرد. مقبول افتادن بحثهایی از این نوع که اگر زنان چادر سرشان میکنند، اگر احکام سنگسار و قصاص در این جوامع اجراء میشوند، اگر آپارتاید جنسی در چنین جوامعی حاکم است و غیره اینها همه فرهنگ مردم است، و فرهنگ هر کسی محترم است، پس باید آنها و جنایاتی که در آن جوامع انجام میگردد بحال خود گذاشت.

این توجیهی بود برای اتفاقی که داشت

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

جدی دارد. اگر زنان در این نبرد پیروز شوند جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد.

سیاوش دانشور: برای مبارزه عملی با آپارتاید جنسی چه کارهای معینی را باید در دستور گذاشت؟

آذر ماجدی: کارهای معینی را بنا به توازن قوای موجود میتوان در دستور گذاشت. کاری که هم اکنون مردم دارند انجام میدهند. مثلاً در چهارشنبه سوری و سیزده بدر و ۸ مارس مردم آپارتاید جنسی را بروشنی زیر پا گذاشتند. بعد از انتخابات مردم ریختند بیرون و دختر و پسر با هم رقصیدند. این یعنی شکستن آپارتاید جنسی. مردم باید هر جا که امکان دارد این مرز جدائی را بشکنند. در اتوبوسها زن و مرد باید این ممنوعیت را بشکنند و کنار هم بنشینند، در دانشگاهها دختر و پسر باید با هم سر کلاس بنشینند، در خیابان باید دختر و پسر با هم راه بروند. کمتر حجاب را رعایت کنند. شعار مرگ بر حجاب و مرگ بر آپارتاید جنسی باید از شعارهای اصلی تجمعات و تظاهرات ضد رژیم مردم باشد. باید یادمان باشد که حجاب و آپارتاید جنسی فقط مساله زنان نیست این امر کل جامعه است. و بدرجه ای که جامعه بتواند علیه آپارتاید جنسی قد علم کند و صفوفش را متحد نماید به آزادسازی همه مردم کمک کرده است. جنبشی که علیه آپارتاید جنسی شکل میگیرد یک جنبش آزادیبخش علیه کل جمهوری اسلامی و برای آزادی عموم مردم است.

**زنده باد اعتراض
گسترده زنان علیه
حجاب و آپارتاید
جنسی!**

در باره آپارتاید جنسی در ایران

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی ...

نخواهند شد و مطالبات بیشتر و بیشتری را مطرح خواهند کرد. وقتی آنها میگویند مثلاً آزادی ملی - مذهبیها مردم میگویند آزادی همه. وقتی میگویند زندانیان سیاسی خودی آزاد شوند، مردم میگویند همه زندان سیاسی باید آزاد شوند. اگر هم بخواهند وضعیت را به همین شکلی که هست نگه دارند مردم تحمل نمیکند و ما هم اکنون شاهد یک جنبش سرنگونی طلب خیلی عظیم در ایران هستیم. این بحرانی است که جمهوری اسلامی در آن گرفتار است و دیر یا زود منجر به سرنگونی آن خواهد شد.

سیاوش دانشور: شما از حجاب بعنوان بارومتر اوضاع سیاسی ایران نام بردید. در ادبیات حزب بطور کلی هم حجاب سمبل آپارتاید جنسی معرفی میشود. چرا فکر میکنید مبارزه با حجاب اینقدر مهم است؟

آذر ماجدی: حجاب سمبل آپارتاید و بردگی زنان است. و باین خاطر حجاب از نظر سیاسی مساله ای بسیار محوری است. تا آنجا که به موقعیت زنان برمیگردد، حجاب نقش بازدارنده جدی را در راه رشد و پیشرفت زنان بازی میکند. از همان زمانی که برای یک دختر بچه جشن تکلیف میگیرند و او را وادار میکنند حجاب سرش کند، دارند به او تلقین میکنند که انسان نیست، که اهمیت ندارد، که برده است. این نقشی است که حجاب دارد و مبارزه با آن مهم است. از نظر سیاسی هم حجاب سمبل جمهوری اسلامی است. از همان ابتدای قدرت رسیدنش این رژیم حجاب را علم کرد و از همان اول هم جنبش برابری طلبانه زنان در مقابل آن ایستاد. از نظر سیاسی مبارزه با حجاب یکی از عرصه های جدی نبرد جنبش برابری طلبانه زنان با جمهوری اسلامی است و اهمیت

من آنقدر ضد بشری بودن این قوانین بر همه روشن است که ما حتی لازم نیست دست به افشاگری زیادی بزنیم. جامعه بطور کلی به ضدیت با اسلام، مذهب و قوانین اسلامی روی آورده و اکثریت قریب به اتفاق مردم خواهان سرنگونی این رژیم هستند.

سیاوش دانشور: حکومت اسلامی میدانند که مردم کاملاً ضد قوانین مذهبی و اسلامی هستند و همچنین میدانند که این قوانین مانع رشد سرمایه داری در کشور و ادامه یافتن بحران اقتصادی کنونی هستند. پس چرا اینهمه بر اسلامیت این نظام تاکید میکنند؟

آذر ماجدی: بخاطر اینکه اگر از اسلامیت این رژیم بگذرند چیزی از آن باقی نخواهد ماند. مجبورند به اسلامیت این نظام بچسبند. اگر از اسلامیتشان بگذرند کل نظام جمهوری اسلامی در یک آن ذوب میشود و از بین میرود و از این نظام و از این رژیم چیزی نمیماند. حتی اگر جوهی از این نظام را عوض کنند، اگر مثلاً حجاب را لغو کنند، اگر فقط آپارتاید جنسی را لغو کنند، یعنی اجازه بدهند زنان بدون ترس از اسید و شلاق بدون حجاب به خیابان بیایند، چیزی از اسلامیت این رژیم نخواهد ماند و این بمعنی نابودی آن خواهد بود. اسلامی بودن، ارتجاع و تحجر جز شناسنامه جمهوری اسلامی است روزی که آنرا از این رژیم بگیرند این رژیم نابود خواهد شد. این اتفاقی است که ما الان شاهد وقوع پیوستن آن هستیم.

سیاوش دانشور: یعنی بحث شما این است که این نتیجه بحران جمهوری اسلامی است. اینکه اینها راه پس و پیش ندارند. نه میتوانند به این شکل پیش بروند و نه قادرند رژیم را عوض کنند؟

آذر ماجدی: بنظر من همینطور است. اگر بخواهند کوتاه بیایند و اصلاحاتی را بپذیرند میدانند که مردم در همین سطح متوقف

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

"آزادی یواشکی" چرا؟ ...

انداخته است. در این کمپین تعدادی از فعالان سیاسی، اجتماعی، دانشجویی، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر مانند محسن کدیور، شاهین نجفی، سعید قاسمی نژاد، شهریار قنبری، مهرانگیز کار، مسیح علی‌نژاد و غیره شرکت کردند و تعداد اعضای صفحه فیسبوک مربوط به آن بیش از شصت هزار نفر است. این کمپین همچنین توانست در مسابقات Bobs در بخش بهترین فعال اجتماعی رتبه اول بخش آرای عمومی را کسب کند.

دختر یا پسر دانشجویی که بخاطر آزادی یواشکی خود پدر و مادر و حتی خودش درگیر می‌کند، باید با منطق به تمام جوانب این مساله فکر کند. بزرگترین ترس رژیم آخوندی در حال حاضر از جوانان، دانشجویان، قشر تحصیل کرده و روشنفکر جامعه است، پس بیایم با همفکری و یاری همدیگر برای آزادی خود و دیگران و هم نسلی‌های خود تلاش کنیم. با این امید که جامعه‌ای آزاد و بدون از آزادی یواشکی که حق طبیعی هر انسانیست داشته باشیم.

در مورد آزادی یواشکی از چند تا از دخترها و پسرهای جوان و خانمها و آقایان میانسال موافق و مخالف این حرکت نظرخواهی کردیم که در ذیل مشاهده می‌کنیم:

آرین 22 ساله: من با آزادی یواشکی کاملاً موافق هستم و این یک حق طبیعی برای تمام جوانان ایرانی هم دختر و هم پسر می‌دونم.

میلاد 20 ساله: فقط موافقم و نظری ندارم.

سوزان 25 ساله: کاملاً مخالفم چون در حال حاضر زن ایرانی مشککش حجاب نیست، مشکل ما در ایران نابرابری زن و مرد است.

سیما 30 ساله: من یک زن متاهلم، این آزادی را دوست دارم، چون وقتی در مهمانی‌هایی که شرکت می‌کنم، و تنها هستم و از آزادی

ایران حجاب تنها معضل و مشکل مردم نیست. در حالی که طوفان کریستال و اعتیاد به سایر مواد مخدر در ایران روز به روز رو به افزایش است. متأسفانه مواد مخدر سالانه جان خیلی از جوانان در ایران را می‌گیرد. اعتیاد در میان دختران و زنان ایرانی رو به افزایش است. مشکل دیگری که جوانان و مردم در ایران با آن روبرو هستند طلاق است که آمار آن مرتباً رو به افزایش است. بحث طلاق و گسترش آن در جامعه‌ای که قوانین اسلامی حاکم است باید موشکافانه بررسی شود. بیکاری وسیع یکی دیگر از معضلات مردم و جوانان تحصیل کرده است. مشکلات اقتصادی هر روز بیشتر از روز قبل به مردم ایران فشار می‌آورد. در قیاس با تمام مسائلی که اشاره شد و مسائل دیگری که از آنها نامی برده نشده ولی وجود دارد، "آزادی یواشکی" مساله‌ای پیش پا افتاده و در حاشیه قرار دارد. اما با این حرکت سیاسی تعقیب میشود که مبارزه گسترده زنان علیه جمهوری اسلامی را قالب بزند.

نداشتن حجاب جزء آزادی نیست، حق طبیعی و بدیهی هر انسان آزادی خواه است. در صورتی که تمام مشکلات که روز به روز رو به افزایش ریشه کن شود. من بعنوان یک زن برای آزادی می‌جنگم. آزادی یک کلیت است و نتیجه حل تمام مشکلاتی است که در ایران وجود دارد. "آزادی یواشکی" یک مساله فردی‌ست.

اولین اعتراض به حجاب اجباری در شبکه‌های اجتماعی توسط گروه دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال ایران در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ مطرح شد. این گروه «نه به حجاب اجباری» را در اعتراض به حجاب اجباری در ایران راه

معنی آزادی یواشکی چیست؟ چه کسانی از این موضوع حمایت می‌کنند و چه کسانی مخالف این حرکت هستند؟

آزادی یواشکی یعنی پنهان و بدور از چشم همه جمهوری اسلامی با سرکوب تلاش میکند توقعات مردم را پائین نگاهدارد و عده‌ای هم کارشان اینست که این توقعات را همچنان پائین نگهدارند. سرکوب و اختناق البته در افت سطح انتظار مردم بی‌تأثیر نیست. در این فضا و شرایط است که بخشی از مردم بجای مبارزه برای رهایی از چنگال اهریمن و هم فکری برای ساختن آینده خود و فرزندان و جامعه، بفکر خوشی و آزادی یواشکی فقط برای خودشان هستند. تردیدی نیست که آزادی یواشکی حتی فقط برای چند لحظه، چنئ دقیقه یا چند ساعت ارزش دارد ولی اگر بفکر راهی برای آزادی دائمی از دست نظامی که حاکم بر مردم ایران است باشیم، این آزادی ماندگارتر می‌باشد.

اما چه کسانی از این حرکت حمایت می‌کنند و از موافقین این حرکت هستند؟ بخشی از سر ضدیت با حجاب و در ادامه مبارزه قدیمی علیه قوانین اسلامی حجاب برمی‌دارند. بخشی دیگر از موافقین قشر نوجوان و جوان و دانشجو جامعه را در برمی‌گیرد. طیفی که در حال حاضر می‌تواند برای جمهوری اسلامی "خطر"ی جدی باشد. ولی جریان‌های ملی اسلامی تلاش می‌کنند که تمام فکر و هدف این طیف برای چنین حرکت‌هایی صرف شود. و اما مخالفین این حرکت کسانی اند که با منطق و راه کارهای جدی از مبارزه علنی زنان علیه حجاب دفاع می‌کنند و مشوق تشدید و گسترش آنند اما با سیاست‌های نیم بند ملی اسلامیه مخالف اند.

حجاب بعنوان سمبل بردگی زن مسئله مهمی است و مبارزه با آن نیز پیوسته وجود داشته و رشد میکند. با اینحال در جامعه امروز

تظاهرات گسترده عیله سفر اردوغان در آلمان و حمایت از کارگران معدنچی سومنا



تشدید جنگ حجاب!

مقابله مردم با اوباش "امر به معروف"

در دور جدید حملات اوباش اسلامی در "دولت تدبیر و امید" موارد بسیاری از درگیری مردم با ارازل و اوباش اسلامی امر به معروف گزارش شده است. از جمله کتک زدن نماینده مجلس خبرگان در بابل. فرار این اوباش از دست مردم دارد بتدریج به یک امر عادی در جامعه بدل می شود.



حاج آقای کتک خورده



"آزادی یواشکی"

چرا؟! ...

یواشکی استفاده می‌کنم همه غم و غصه‌ها فراموش می‌کنم و دوباره برمیگردم به دنیای مجردی که داشتم.

محمدعلی 65 ساله: من در کل با آزادی جوانان و نوجوانان در هیچ شرایطی مخالف نیستم، فقط امیدوارم جوانان ما معنی آزادی و بی بند و باری را درک کنند و این 2 موضوع را با هم دخیل نکنند.

سام 15 ساله: من آزادی یواشکی دوست دارم و با این حرکت موافقم چون تو دنیای دیگه ای سیر می‌کنم، مخصوصاً وقتی با دوست دخترم باهم میریم پارتنی و مهمونی و کافی‌شاپ، کوه و ... همه دنیا مال من میشه.

تهمینه 48 ساله: کاملاً مخالفم، با این حرفها و حدیث جوانانی ما رو به فساد و گناه و بی‌بند و باری کشیده می‌شوند، همه زندگی که این دنیا نیست، همه یه روزی می‌میریم و باید در روز قیامت جوابگویی کارهای خود باشیم.

ساناز 25 ساله: آزادی جزء حریم شخصی هر انسانی و کسی حق دخالت در آن را ندارد.

آزادی یواشکی نه آزادی آشکارا حق طبیعی هر انسانی همه با هم به دنبال آزادی آشکار و دایمی باشیم.

شیرا گنجی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان



تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

بیانیه سازمان آزادی زن

حجاب سر درد رژیم اسلامی

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی، ترفند های رژیم اسلامی!

حجابی" از ترفندهای این جناح است. اصلاح طلبان حکومتی و جریان ملی - اسلامی نیز با تلاش برای آب ریختن به خواستههای زنان و زدودن رادیکالیسم از تحرکات زنان بنوبه خود برای حفظ رژیم و اسلام می کوشند. این نقش جریان ملی - اسلامی و اصلاح طلب حکومتی است. کارنامه باصطلاح "کنشگران" عرصه زنان ملی - اسلامی مملو از تحرکات و ترفندهای این چینی است. ترفند جدید هم ابداع نام "ازادیهای یواشکی" برای جنبش وسیع و علنی مبارزه علیه حجاب است. می اندیشند که می توانند برای مدتی هم که شده مبارزه را از خیابانها به گوشه های دنج و خلوت ببرند؛ تصور می کنند که شاید زنان باین ترتیب خشم و عصیان خود را خالی کنند و "سر برآه" شوند؛ خیال می کنند می توانند سر زنان را مدتی گرم کنند؛ خیال می کنند!

جنبش آزادی زن جنبشی عمیق و توده ای است. جنبش آزادی زن آنتی تز جنبش اسلامی است. جنبش آزادی زن یک رکن اساسی و تعیین کننده جنبش سرنگونی رژیم است. باید این جنبش را هر چه بیشتر تقویت و تحکیم کرد. مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی یک جبهه مهم مبارزه علیه رژیم اسلامی است. سازمان آزادی زن خود را بخش لایبترای این جنبش می شناسد. سازمان آزادی زن با تمام قوا برای پیروزی این جنبش مبارزه می کند. تلاش موفق برای پیروزی مستلزم شناختن هر دست انداز و چاله ای است که این رژیم و نعلین بوسهای ملی - اسلامی آن در مقابل این جنبش ایجاد می کنند. تقویت ماهیت رادیکال و سرنگونی طلبانه آن یکی از ارکان اصلی مبارزه پیروزمند است. سازمان آزادی زن از هر تلاش زنان برای مقابله با رژیم اسلامی و مظاهر ارتجاعی و قیود اسلامی با تمام قوا حمایت می کند. آزادی زن تنها با سرنگونی رژیم اسلامی امکانپذیر می شود.

**زنده باد آزادی و برابری!
نه به حجاب اسلامی!**

سازمان آزادی زن
18 مه 2014

شلوار و چارقد رضایت دادند. اینهم مشکل شان را حل نکرد. سعی کردند هر نوع نماد مد و مدرنیسم را ممنوع کنند، از شلوار جین، عینک آفتابی تا چکمه. زنان این فاز را نیز درنوردیدند.

سال پیش تصاویر زنان امر به معروفی کتک خورده وسیعاً منتشر شد. صحنه های کتک زدن این مفلوکان و کشیده شدن حجاب از سر آنها گسترده شد و کار به ضرب و شتم آخوندها رسید. با مواجهه با این وضعیت خامنه ای و روحانی به ماموران منکرات دستور دادند که حساب شده کار کنند. بتازگی سر و صدای آخوندها در آمده که در برخی محلات زنان بی حجاب آمد و شد می کنند. زنان در تهران و برخی شهرهای دیگر بی حجاب در ماشین ها می نشینند. عکس زنان بی حجاب در خیابانها پخش میشود. زنان عصیان خود علیه حجاب اسلامی، برای روبیدن قیود اسلامی و برای خلاصی فرهنگی را به مرحله دیگری برده اند. این واقعیت جامعه ایران است. بیش از هر زمانی "وصله ناجور" بودن این رژیم با جامعه ایران آشکار تر می شود.

حال که رژیم با این سرپیچی آشکار و استقامت زنان و جنبش آزادی زن روبرو شده است، دو جناح آن هر یک ترفندهای خود را برای مقابله با جنبش آزادی زن علم کرده است. بیست سال است که دو جناح رژیم هر یک بطریق خود برای حفظ رژیم و "بیضه" اسلام می کوشند. باصطلاح جناح "راست" به قشری گری محض روی می آورد و اعلام می کند که هیچ سر پیچی و هیچگونه نماد "غربی گری" را نخواهد پذیرفت؛ تظاهرات زنان و مردان حزب الهی در روزهای اخیر با شعار رعایت حجاب سفت و سخت و اعتراض به بی حجابی و "بد

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی هر روز گسترده تر می شود. 35 سال است که رژیم اسلامی دائماً برای تحمیل حجاب اسلامی به زنان جان می کند. از همان اوان به قدرت رسیدن، رژیم اسلامی مبارزه برای کشیدن حجاب اختناق بر سر جامعه را با کشیدن حجاب اسلامی بر سر زنان همراه کرد. حجاب و آپارتاید جنسی یک رکن مهم و پایه ای اسلام است. لیکن قدرت یابی جنبش اسلامی در ایران، به حجاب و آپارتاید جنسی بعدی سیاسی - ایدئولوژیک بخشید و حجاب را به بیرق این جنبش سیاه بدل کرد. مبارزه علیه آزادی با مبارزه برای برقراری آپارتاید جنسی در جامعه و بردن زنان زیر حجاب اسلامی آمیخته شد. اکنون پس از سی و پنج سال، یورش به زنان برای محکم کردن حجاب به ثرم تحرکات رژیم اسلامی بدل شده است. گشودن افسار وحوش حزب الهی و بسیج و انداختن آنها به جان زنان و دختران نوجوان یک امر دائمی این حکومت است.

علیرغم آنکه یک حکومت اسلامی بیش از سه دهه بر جامعه حکم رانده است، با وجود اینکه تبلیغ خرافات اسلامی هر روزه و هر ساعت از رسانه ها و در مدارس پخش می شود و علیرغم هجوم دائمی و وحشیانه به زنان، رژیم اسلامی نه تنها موفق نشده که حجاب را به یک ثرم در جامعه بدل کند، بلکه هر روز با ترفند جدیدی از طرف جنبش آزادی زن روبرو می شود. ابتکارات فردی و جمعی زنان در به ریشخند گرفتن حجاب اسلامی تحسین برانگیز است. پوشش زنان در جامعه به یک جبهه دائمی جنگ بدل شده است. اگر کسی نداند که در ایران حجاب اجباری است، پوشش بخش وسیعی از زنان را بعنوان حجاب نخواهد دید، به آن بعنوان یک مد جدید نگاه خواهد کرد. در ابتدا فسیل های از گور برخاسته اسلامی از حجاب سیاه سخن می گفتند؛ با روبرو شدن با مبارزات زنان و مقاومت آنها، به مانتو و

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر

نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطکاران و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سگس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانتکستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، سیاوش دانشور

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران

از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

به سازمان آزادی زن پیوندید!